



گفت‌وگوی صبا با امیر احمد قزوینی کارگردان «ترس از اشک‌های واقعی»

مکاشفه‌ای در پی معنا

درگیر این نقش کند.

از همکاری با آزاده صمدی در این پروژه بگوئید.

خانم صمدی از مرحله‌ای که من این فیلمنامه را نوشتم همراه من بود و من با ایشان مشورت کردم اما در پروسه فیلمسازی من کار خودم را انجام دادم و هر چیزی که در ذهنم بود و دلم می‌خواست اجرا کنم، انجام شد و اگر حضور ایشان نبود فیلم در محل پست پروداکشن و در مرحله پایانی اش به سختی تمام می‌شد و من از بودن ایشان در این پروژه بسیار خوشحالم.

معمولا اولین فیلم فیلمساز ادای دین او به سینما یا ژانر مورد علاقه‌اش است با توجه به ارجاعات آیا می‌توان این وجه را برای فیلم شما نیز قائل بود؟

بله یکی از مسئله‌های اصلی من در ساخت این فیلم تجربه آن ژانری بود که در سینما بسیار به آن علاقه‌مندم که ترکیبی از سینمای شاعرانه ایتالیا است و می‌توان گفت پیشینه‌اش با آدم‌هایی مثل آنتونیونی، فلینی و پازولینی گذاشته شده یعنی ترکیبی از شعری که در سینمای ایتالیا وجود دارد و اگر بخواهیم به نمونه‌های معاصر ترش اشاره کنیم، فرم فیلمسازهایی مثل ترنس مالیک یا پائولو سورنتینو و این جنس از سینما که کاراکتری پر سه می‌زند، راه می‌رود، نگاه می‌کند در شهر، مفاهیم، گفت‌وگوها، در متلک‌ها، محاوره‌ها و در خرید و فروش‌ها و بازار شهر غرق می‌شود و از آنها عبور می‌کند برای من خیلی مسئله جذاب و دوست داشتنی بود. این فیلم در خلاصه‌ترین حالتش برای من امکانی بود برای فهمیدن مسائل شخصی و زیستی خودم و همینطور از یک شقه دیگرش مسائل هنری و زیبایی‌شناسی که از آنها لذت می‌بردم و خیلی خوشحالم از بابت ساختنش. حال چه مخاطب زیادی داشته باشد یا نه و یا اینکه در جشنواره‌ها توفیقی به دست بیاورد یا نه، برای من اینکه این فیلم ساخته شد، با همه مسائل، مشکلات، سختی‌ها و نشدن‌هایش به نتیجه رسید و توانستم مسائل مختلفی که در ذهن داشتم را تبدیل به یک ابژه کنم که جذاب است.

رجوع می‌کند به شهر، زادگاه و خاستگاهش من نیز به زادگاهم رجوع کردم مضاف بر اینکه یزد معماری در جبهه یکی دارد و این معماری آنگونه که باید در سینما به تصویر کشیده و نشان داده نشده است و یک روایت شهری درست، روایت شاعرانه درست و روایت تصویری درست از این شهر زیبا با این معماری حیرت‌انگیز ندیده‌ایم. همینطور از انسان‌هایش و مسئله لهجه و زبان که همه آن چیزهایی است که به نظرم در سینمای ما به شکل درست و متفاوت و متکثری استفاده نشده و همیشه خیلی تک بعدی از این معماری و گویش استفاده شده و این برای من خیلی هیجان‌انگیز بود که این فرم از سینما و این جنس روایت را در آن شهر اجرا و فیلمبرداری کنم. اولویت من در انتخاب لوکیشن‌ها یکی نزدیک بودن به فضایی بود که کاراکتر دارد و همچنین قصه فیلم و خود زیبایی‌شناسی که در شهر و معماری آن بود. یزد برای من پایاپای کاراکتر اصلی مسئله و مهم بود و دلم می‌خواست که آن حالت جادویی که در ذهنم است را بتوانم انتقال دهم.

از انتخاب اسماعیل گرچی که از بازیگران جوان اما شناخته شده امروز تئاتر است بگوئید.

من از اسماعیل گرچی تئاتر «سبزیف» را دیدم و خیلی بازی‌اش را دوست داشتم. از آنجایی که در ذهن من کاراکتر این فیلم یک بازیگر تئاتر بود که در لحظاتی یک اوج تئاتری داشت که هر کسی از پس آن ماجرا بر نمی‌آید باز بگری می‌خواستم که آن لحظه‌های ابتدایی فیلم و تمرین تئاتر را با قدرت زیادی بتواند اجرا کند. اسماعیل نیز در عین حال که یک بازیگر استخوان دار، بازیگری خوب و صبور است و جدا از همه این عملگرایی‌اش آدمی است که فایده مسئله‌های فکری و مسئله‌های عمیق انسانی در ذهنش باز است و از نظر فکری آدم عمیقی است. برای من خیلی مسئله بود که بازیگری که این نقش را بازی می‌کند باید مغزش کار کند و نباید به صورت تک بعدی این صرفاً بدنش باشد که به عنوان بازیگر جلوی دوربین می‌آید یعنی آدمی باشد که بتواند روح خودش را نیز

«ترس از اشک‌های واقعی» فیلمی به کارگردانی امیر احمد قزوینی و تهیه‌کنندگی آزاده صمدی است که در گروه سینمایی

مریم عظیمی
گفت و گو

هنر و تجربه به اکران درآمده. امیر احمد قزوینی که ما او را بیشتر بخاطر نقش‌هایی که در تئاتر، سینما و سریال ایفا کرده می‌شناسیم دو فیلم کوتاه به نام‌های «روح القدس» و «بیچاره» نیز در کارنامه کارگردانی‌اش دارد که با همکاری محمد کریم‌پور که در این فیلم نیز در سمت فیلمنامه‌نویس و تدوینگر حضور دارد، ساخته است.

در مراسم رونمایی، این اثر را یک فیلم بسیار شخصی خواندید در این راستا از روند پرداخت به فیلمنامه بگوئید.

این فیلم برای من یک فیلم بسیار شخصی است چرا که به زندگی من خیلی نزدیک است. در مرحله ایده چیزهایی که مطرح کردن و فیلم ساختن از آنها برایم ضرورت داشت را به عنوان تایتل نوشتیم و آرام آرام شروع کردیم به دراماتیک کردنش و ساختن صحنه‌ها و سکانس‌ها و مسیری که می‌تواند این دغدغه‌ها تبدیل به یک قصه کمرنگ شود و تقریباً همان فیلمنامه را وارد مرحله اجرا کردیم. مسائلی که اذیت می‌کرد در باره ارتباط با مادر، فقدان پدر و خود مسئله‌ای که معجزه است، بود. یعنی وقتی بازیگر احساس می‌کند که خالی شده و چیزی برای ارائه ندارد. حال منظورم بازیگر نوعی است و به طور کلی هنرمند دغدغه‌مند که رجوع می‌کند به گذشته و برگشتن به شهر و زادگاهش، خانواده‌اش، دوستانش و در نهایت خودش برای پیدا کردن یک پشتوانه و یک جواهری که انگار آن را گم کرده است که در این فیلم به اسم معجزه مطرح می‌شود و این‌ها برای من ضرورت روایت کردن بود و ناچار بودم به روایت، چون تنها راهی که برای تریپی خودم داشتم گفتم و ساختن این قصه بود.

انتخاب یزد به عنوان لوکیشن فیلم چه علتی داشت؟

شهر یزد زادگاه خود من است و مثل هر فیلمساز دیگری که

باران کوثری زنده‌یاد آتیلا پسیانی

رویا چاویدنیا، یسنا میرطهماسب، سولماز غنی، شاهرخ فروتنیان، سارا توکلی

سبیل

Birth Certificate

نویسنده و کارگردان مهدی اسماعیلی تهیه‌کننده محمد آفریده

مشاور کارگردان کمال تبریزی، سرمایه‌گذار مرتضی حسینی عادلین

تماشای این فیلم برای افراد زیر پانزده سال توصیه نمی‌شود ۱۵+

